

متن سخنرایی : دکتر پرویز ورجاوند
استاد دانشگاه تهران
در هفته ایران باستان

استمرار هنر معماری و شهرسازی ایران پیش از اسلام در دوران اسلامی

در آغاز لازم میدانم توجه حضار محترم را باین موضوع جلب نمایم که عنوان این سخنرانی توسط اینجانب انتخاب نشده بلکه بوسیله مسئولان محترم انجمن برگزیده شده است. زیرا اگر من می‌خواستم آنرا برگزینم با توجه به محدودیت زمان و وسعت موضوع چنین عنوانی را بر نمی‌گزیدم همچنین لازم میدانم بگویم علاقه داشتم بمن این فرصت داده میشد تا قبل از آنکه بخواهم درباره موضوع اصلی سخنرانی به بحث بپردازم درباره مفهوم استمرار در فرهنگ يك ملت مطالبی را عنوان سازم. زیرا که جادارد تا درباره مفهوم این واژه تفاهمی دو جانبه بوجود آید تا با آگاهی بدانیم وقتی که از استمرار سخن می‌گوئیم مرادمان چیست و اینکه این استمرار را چگونه و از چه راهی باید توجیه کنیم بخصوص زمانی که موضوع مورد بحث بادنیای هنر که نقطه نقل آن خلایق است ارتباط پیدا کنند، توجیه دقیق این

ضرورت بیشتری پیدا میکند. ولی با توجه باینکه وارد شدن در این بحث نیاز به فرصتی فراوان دارد مناسب می‌بینیم فقط باین نکته اشاره کنیم که بجهت فراوان ترجیح میدهم بجای کلمه استمرار در واژه «سیر و جریان» را برگزینم و بکار گیرم. همچنین جادارد یادآور شوم در بررسی سیر و جریان فرهنگ مربوط بیک جامعه باید توجه داشت که این سیر و جریان در طول حیات ملت و مردمی که در یک سرزمین با ویژه گیهای معین زیست می‌کنند روی داده است مردمی که در طول زمان حوادث و رویدادهای فراوان بر آنها گذشته است و سیمای زندگی آنها در هر زمان رنگ و بوئی خاص را عرضه می‌دارد. بنابراین زمانی که می‌خواهیم سیر و جریان امری را در حیات مردمی مورد مطالعه قرار دهیم ناگزیر هستیم تا بر تمامی رویدادها و جریانهای فکری، تغییرات اجتماعی و سیاسی مردم آن سرزمین آگاهی کافی داشته باشیم زیرا که تمامی عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در شکل بخشیدن به ویژه گیهای يك سرزمین دخالت کامل دارد در مورد موضوع اصلی مورد بحث یعنی شهرسازی و معماری اعتقاد من بر این است که این هر دو پدیده از نمودهای زندگی يك جامعه بسدور نمیتواند باشد بنحوی که تمامی ویژه گیهای زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی يك جامعه در سیمای شهرسازی و معماری آن منعکس است. به بیان دیگر هنر معماری بیش از هر هنر دیگر در ارتباط مستقیم با تمام ویژه گیهای زندگی يك جامعه قرار دارد چنانکه از دیرترین روزگاران از زمانی که بشر برای درمان نگریداشتن خود ابتدائی ترین پناهگاهها را بوجود می‌آورد و باینکه نخستین اجتماعات برای محل زندگی خود دست به ایجاد طرحهایی ابتدائی می‌زنند، عوامل مورد بحث خود را بر پدیده شهرسازی و معماری تحمیل ساخته اند، بنابراین به اعتقاد من عامل شهرسازی و معماری هیچ دورانی را بدون آگاهی کامل و همه جانبه بر چگونگی ویژه گیهای زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و جهان بینی فرهنگی آن جامعه نمیتوان مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار داد. همچنین باید گفت که عامل شهرسازی و معماری گذشته از عواملی که در پیش بآن اشاره شد به عوامل

گونگون دیگری نیز ارتباط دارد. که از آنجمله میتوان عامل موقع و محیط جغرافیائی، شرایط اقلیمی، آب و... را برشمرد.

موقع خاص جغرافیائی و شرایط اقلیمی عواملی هستند که در فرم بخشیدن به شکل و فضای معماری دخالت بسیار داشته اند. در مورد مسئله آب مایل بودم تا این فرصت را در اختیار میداشتم که تنها در باره رابطه این پدیده با موضوع شهر سازی و معماری صحبت کنم. زیرا که عامل آب در فرم دادن به یک شهر، در جهت دادن به خطوط یک شهر و در فرم دادن به یک فضای معماری و بالاخره طرحهای باغ سازی دخالت فراوان دارد. از اینرو سرزمینهای خشک و کم آب ناگزیر از آنند تا با آگاهی کامل در زمینه موقع و میزان منابع آبهای موجود، در امر طرح ریزی نقشه شهر بمنظور بهره برداری موفقتر از منابع آب اقدام کنند. ایران را در میان سرزمینهای کم آب جهان میتوان از جمله نقاط معدودی دانست که معماران و شهرسازان آن با آگاهی و تسلط کامل توانسته اند بمنظور استفاده کامل از میزان منابع ناچیز آب، دقیقترین و حساب شده ترین نقشه های شهر سازی و شبکه های آبرسانی و مجموعه های معماری را طرح ریزی کنند. وجود عامل اختلاف سطح زیاد میان واحدهای مسکونی و مجموعه های معماری شهرهای قدیمی ایران با کف خیابانهای موجود شاید در بر خورد نخستین برای بسیاری غیر قابل توجه بنماید. ولی در بررسی چگونگی و دلیل وجود چنین اختلاف سطحی بر روشنی در میابیم که نقش عامل آب تا چه حد در آن موثر بوده است. چنانکه وقتی شاهکار شکوه مندی چون بنای مسجد آقا را در کاشان در سه سطح مختلف میابیم شاید در اولین برخورد کمی غیر متعارف بنظر آید ولی چون با کنجکاری بآن بنگریم مشاهده خواهیم کرد که چگونه معمار هنرمند این اثر بمنظور دسترسی به آب روان در سطحی بسیار پائین با مهارت و استادی خاص چنین طرحی را عرضه ساخته است. مسئله آب در ایران در امر باغ سازی و شبکه بندی های آن نقش اصلی را بر عهده داشته است. امروز مشاهده طرح برخی از پارکهای جدید با نقشه های فانتزی و غیر معقول روشنگر این امر است که

طراحان این پارکها کوچکترین آگاهی بر ضوابط و منطق باغ سازان کهن ایران ندارند و دلیل طرحهای شطرنجی را در باغ سازی ایران نمیدانند. باین نکته توجه نگرده اند که چرا آب را در جویهای تنگ روان ساخته و سپس به پهنه های وسیع هدایت کرده اند و در عین حال کوشیده اند تا درختهای بلند بر آنها سایه گستر باشند. تلاش معماران باغ ساز ایرانی در استفاده از معنن های محدود آب برای ایجاد پهنه های وسیع در کار باغ سازی منجر به خلق آب نمائیه باریزه گیهای خاص گردیده که از نظر جنبه های فنی بمنظور جلوگیری از هدر دادن آب دارای ارزشی خاص هستند.

مصالح ساختمانی خودیکی از مهمترین عواملی است که در امر معماری

دخالت دارد. معماری ایرانی در طول تاریخ هیچگاه بوضع اسف بار و غیر منطقی سی چهل سال اخیر خود در زمینه استفاده غیر اصولی و ناموفق از مصالح ساختمانی دچار نبوده است. معمار ایرانی همیشه میکوشیده تا شاهکار خود را با کمک مصالح مناسبی که دسترسی بآن آسان و از نظر اقتصادی با صرفه باشد خلق سازد. از اینرو جز در برخی موارد استثنائی از کاربرد مصالحی که جنبه فانتزی داشته و متناسب با شرایط اقلیمی و امکانات اقتصادی جامعه نبوده همیشه خود را بدور نگه داشته است.

عامل مناهب در بیشتر دورانها

از عوامل مهم و اساسی تعیین کننده قطعی در زمینه شهر سازی و معماری بشمار میرفته است. قدرت این عامل در برخی دورانها و مکانها تا حدی بوده است که بسیاری از عوامل مؤثری را که در بالا بر شمر دیم نفی ساخته است در اینجابه عنوان مثال مصر کهن را مثال می آوریم که با توجه به شرایط اقلیمی سخت، وجود آفتاب سوزان و گرمای شدید، ایجاد میکرد تا خیابانها و شبکه های ارتباطی از عرض کمتری بهره مند باشند تا بناهایی که در دو جانب آنها بنامیگریدید بتواند عبور کنندگان را در سایه های خود پناه دهد. ولی بعکس شاهد آن هستیم که عرض خیابانها در مصر دوران فراغت به ۶۰ متر میرسد و این چیزی نیست جز نشانه قدرت حاکم و مسلط مناهب در جامعه شهر.

نشین مصری. زیرا که اساس امر مشارکت دسته‌جمعی و انبوه مردم در مراسم مذهبی معبد بزرگ است. از اینرو میبایست شبکه‌های ارتباطی شهر خود را با این مراسم تطبیق دهند تا انبوه مردم در زمانی معین بتوانند خود را به معبد برسانند و در فاصله مدت کمی از معبد خارج شوند.

زندگی اقتصادی و نوع معیشت نحوه معیشت مردم و اوضاع و احوال اقتصادی هر منطقه و سرزمینی بوضوح در فرم بخشیدن به مجموعه واحدهای تشکیل دهنده یک شهر و شکل معماری و واحدهای آن نقشی مؤثر و قابل لمس داشته است. در این مورد بجای آنکه از نمونه‌های تاریخی شاهد مثال بیاوریم بی‌مناسبت نخواهد بود تا موضوع دهکده‌سازیهایی چند سال گذشته در منطقه زلزله زده بوئین زهرا را مورد مطالعه قرار دهیم. در این منطقه تعدادی روستا با واحدهای مختلف مسکونی و دیگر واحدهای مورد نیاز روستائی با مصالحی متفاوت با مصالح رایج در منطقه بنا گردید و هزینه‌های بسیاری صرف شد ولی زمانی که روستائیان را به این دهکده‌ها بازگردانیدند در مدتی بسیار کوتاه تعداد بسیاری از این محل‌های مسکونی توسط روستائیان رها گردید و آنها در فاصله‌ای نه چندان دور از این مجموعه‌ها به برپا ختن خانه‌های خشت و گلی با نقشه و طرحی متناسب با ویژه گیهای زندگی خود و منطبق با نوع معیشت و کار تولیدی‌شان اقدام کردند. معدودی نیز که در آن خانه‌های ساخته شده (مهندسی ساز) باقی ماندند در تمامی جهات دست به تغییرات کلی زدند تا بدینوسیله این واحدها را برای سکونت خویش مناسب سازند. دلیل عدم پذیرش خانه‌های ساخته شده مهندسی از طرف مردم بدلیل خاص اجتماعی نبود بلکه عامل اصلی در این نهفته بود که این واحدها با نوع معیشت و نیازمندیهای آنها انطباق نداشت خانواده‌ایکه تنها دارای یک گاو و چند گوسفند است و در واقع قسمتی از سرمایه اصلی خود را در آنها خلاصه می‌بیند با توجه بتجربیهایی که از محیط زندگی خود دارد آماده نخواهد بود تا بخش عمده‌ای از سرمایه خود را در محلی دور از سکونت خود رها سازد. و با آن گروه مردم کشاورزی که بخشی از درآمدشان حاصل غرض ساختن

انگورهای به‌نخ کشیده آخر تابستان است که در پائیز و زمستان با قیمت مناسب به بازار عرضه میکنند برایشان امکان پذیر نخواهد بود تا انگورهای به‌نخ کشیده را بزیر سقف خانه‌های ساخته شده از بلوکهای سیمانی قرار دهند. اینها و بسیاری نمونه‌های دیگر نشانه‌ای از عدم انطباق معیشت مردم با عامل مسکن بود که منجر بندر ساختن بسیاری از این واحدهای مسکونی توسط کشاورزان ساکن در منطقه گردید.

جنبه‌های دفاعی موضوع رابطه میان فرم شهرها از نظر امکانات دفاعی بحثی است که در طول تاریخ در مورد تعداد فراوانی از شهرها صادق بوده است و ساکنان شهرها میکوشیدند تا با توجه به موقع و مکان شهر خود با استفاده از عوامل لازم موقعیت مناسب دفاعی برای شهر خود فراهم سازند. توجه به جنبه‌های دفاعی شهرها همیشه در قبال تجاوز نیروهای خارج از کشور نبوده بلکه از دیرباز درگیریهایی نیز میان ساکنان نواحی حاصلخیز دشتها و برخی از نواحی کوهستانی وجود داشته است که پرداختن باین مسئله خود نیاز بفرستی فراوان دارد.

کوتاه سخن آنکه عوامل فراوان و متعدد دیگری هستند که همه در امر شکل بخشیدن به فرم شهر سازی و فضای معماری دخالت دارند ولی با توجه به فرصت ناچیزی که در اختیار داریم امکان نخواهد بود که یکایک آن عوامل را بر شماریم و در باره آن توضیحی کوتاه دهیم. آنچه نیز در این مقدمه بیان گردید باین نیت بود تا روشن ساخته باشیم اگر بخواهیم در باره عنوان اصلی سخنرانی به بحثی جامع بپردازیم بناچار میبایست تمام جنبه‌های مورد بحث و آنچه که مجال پرداختن بآن نبوده است در بیان چگونگی سیر و جریان این پدیده مورد بحث، توجه گردد و به آن پرداخته شود.

بنابراین اجازه می‌خواهم تا وارد بحث اصلی خود شویم تا حد اقل توانسته باشیم به بعضی زمینه‌های مورد نظر اشاره کنیم.

شهر سازی در مورد موضوع شهر سازی در ایران ضرورت دارد تا بگذشته

دوربرویم یعنی باید بزمانی حدود هزاره سوم قبل از میلاد عقب برویم و دست کم به این مسئله اشاره کنیم که از اواخر هزاره چهارم و هزاره سوم بی بعد در ایلام به استناد مدارک باستان‌شناسی شاهد وجود شهر بمفهوم کامل کلمه و در ابعادی بسیار گسترده هستیم. همچنین در جانب شرقی ایران کشف «شهر سوخته» در نزدیکی زابل نشانه دیگری است از وجود شهر و بافت شهری در ایران باستان.

پس از آن از دوران اشکانی میتوان بعنوان دورانی یاد کرد که از آن زمان یک حرکت چشم گیر در زمینه ایجاد شهرهای جدید آغاز میگردد. در مورد بی منطق بودن نوشته برخی از مورخان کهن که پایه گذاری هفتاد شهر را در ایران به اسکندر نسبت داده اند ترجیح میدهم بدان بپردازم زیرا اگر نظر کسانی را که معتقدند اسکندر در طول سال توانسته است سرزمین های واقع میان یونان و ایران و سراسر ایران و بخشی از هند را تسخیر سازد بپذیریم، ناچار نیز باید بپذیریم که اسکندر جز آنکه در تمام طول سفر فاتحانه اش پای در رکاب داشته باشد و در صحنه های نبرد باشد دیگر فرصتی برای ساختن هفتاد شهر برایش باقی نمی مانده است. در دوره سلوکیها نیز باید بپذیریم که آنها نیز آنقدر درگیری داشتند که جز ایجاد ساخلوهای نظامی و واحدهای کوچک شهری در مجاورت شهرهای بزرگ به خلق اثر بزرگ دیگری جز درد و سهرورد، دست کم باستناد مدارک باستان‌شناسی توفیقی نیافته اند. و اما دوران ساسانی، در این دوره حرکت آغاز شده از زمان اشکانی در زمینه ایجاد شهرها با سرعت بیشتری ادامه مییابد و شهرهای فراوان دیگری بوجود میآید. چنانکه مورخان به تفاوت بنیاد نزدیک به پنجاه شهر را بدوران ساسانی با ذکر نام و موقع نسبت میدهند. این فعالیت ها بیشتر به زمان اردشیر، شاپور و خسرو نسبت داده شده است.

شهرها در زمان ساسانی با توجه باوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زمان اغلب از یک طرح خاص پیروی می کنند و از یک نوع سازمان قابل توجهی برخوردار دارند. از جمله آنکه در این دوره شهرها به محله های مختلف تقسیم میشوند. و هر

دسته از پیشه‌وران در محله معینی سکونت دارند. امری که با جزئی تغییر بدوران اسلامی منتقل و ادامه می یابد. چنانکه در اکثر شهرها شاهد راسته ها، محله ها و گذرگاه هستیم و حتی در دهات بزرگ با چنین امری برخورد می کنیم و می بینیم که چندین محله با نامهای مختلف وجود دارد و زمانی که به بررسی دقیق می پردازیم مشاهده می کنیم که این محله ها به گروهها و جوامع متفاوتی تعلق دارند. این تفاوت ممکن است مربوط به عامل قبیله ای، مذهب، نوع فعالیت تولیدی، میزان درآمد و نظایر آن باشد. در دوره ساسانی شکل شهرها زدو فرم گلی تقریباً خارج نیست یا دارای طرح مدور هستند و یا دارای نقشه مستطیل، با در نظر گرفتن اختلاف سطح زمین منطقه. بر اساس دید و اعتقادی خاص شهرها دارای چهار دروازه بوده اند که به چهار سوی جهان گشوده بوده است. اکثر شهرها چه در دوره اشکانی و چه در دوره ساسانی از این امر تبعیت کرده اند، شکل بافت کلی شهرها و موقع واحدهای عمده و شبکه های ارتباطی آنها در دوره اشکانی و بعد از ساسانی کم و بیش همان چیزی است که تا مدتی نیز در دوره اسلامی گاه با برخی تغییرات شاهد آنیم. و آن عبارتست از یک کهن دژ در مرکز شهر که دارای موقع نظامی ممتازی است معمولاً حاکم و شخصیت ممتاز شهر در این محل سکونت داشته است. پیرامون کهن دژ، شهر بمفهوم واقعی گسترده بود که در دوره ساسانی بنام شهرستان از یاد میشده است، در دوران قسمت شهر باروی دیگری قرار داشته و در بیشتر موارد در پشت آن منطقه زراعی واقع بوده که برخی از مساکن روستائی را در بر میگرفته است. این فرم را ما نخست در شهر اشکانی نسامر بوط به سده سوم پیش از میلاد مشاهده میکنیم و تقریباً با جزئی اختلاف همین طرح تا مدتی در دوره های اسلامی ادامه پیدا میکند.

مسجد قلب شهر در دوره اسلامی در شهر پدیده جالبی بوجود میآید که در دوره ساسانی شاهد آن نیستیم، ولی با اعتقاد من در دوره ایلامی شاهد چنین پدیده ای هستیم و آن عبارتست از مسجد جامع که هسته مرکزی شهر را تشکیل می دهد. بخصوص این امر در مورد شهرهایی که در دوران اسلامی پایه گذاری شده اند

بخوبی بیچشم میخورد. در اینجا لازم میدانم توجه حضار محترم را باین نکته جلب سازم که بین قرنهای سوم تا ششم هجری بایک دوران شکوفائی از نظر شهر سازی برخورد می کنیم. در طی این زمان یا شهرهای قدیم گسترش مییابند و یا شهرهای جدید پایه میگیرند. وقتی شهرهای جدید بوجود میآید قلب شهر را مسجد تشکیل می دهد. مسجد در این دوران نهادی است که کلیه فعالیتهای مربوط به مردم شهر را در بر میگیرد. مسجد تنها محل عبادت نیست بلکه نقشی بسیار وسیع را بر عهده دارد. چنانکه بخشی عمده از فعالیتهای سیاسی در آنجا میگذرد. حاکم شهر باید بعد از نماز روز جمعه در آنجا خطبه بخواند و در حضور جمع صحبت کند و خط مشی سیاسی خود را روشن سازد. انتقادات مردم در آنجا عنوان میشد، تبادل نظر در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و مسائل مربوط به شهر در این محل بین مردم صورت میگرفت. برخی مبادلات در سطحی بخصوص در حوال و حوش مسجد صورت میپذیرفت. مساجد در بیشتر موارد کتابخانههای بزرگی را در بر میگرفته اند. از یاد نبریم که در قرن چهارم مقدسی درباره کتابخانه مسجد جامع اصفهان می نویسد که تنها فهرست کتابهای آن در ده جلد گردآوری شده بود. او همچنین این مسجد را بعنوان یک مرکز بزرگ فعالیت علمی در تمامی زمینهها معرفی میکند چنانکه شعرا در آنجا بمشاعره می پرداختند، فضلا و ادبا جلساتی تشکیل میدادند و به گفت و شنود می نشستند و بالاخره در زمینه مباحث فلسفی و موضوعهای مذهبی جلسههای متعدد در آنجا برپا میگشت. به بیان دیگر مسجد در گذشته حیات داشت، روح داشت و در عمده فعالیتهای وابسته بزندگی مردم مشارکت میجست و چون امروز مساجد سوت و کور نبوده اند و تنها جمعی از پیر زنان و پیر مردان را که برای انجام فرایض مذهبی بآن روی میآوردند در بر نمی میگرفت. سخن درباره شهر و شهر سازی در دوران اسلامی بحثی بسیار وسیع است که بی شک پرداختن بدان از نظر گاههای مختلف نیاز به فرصتی فراوان دارد که از حوصله چند جلسه و چند گفتار خارج است. از اینرو ما نیز در اینجا سخن در باره این موضوع را بی پایان میبریم و مختصری درباره عوامل شکل دهنده معماری ایرانی

در طی این دورانها سخن خواهیم گفت.

درباره معماری با جرات باید بگویم که بخش عمده ای از پدیده ها که در عالم معماری با آن برخورد میکنیم بدلیل مدارک و اسناد موجود، در فلات ایران خلق شده اند. امیدواریم آنچه که بدان اشاره کردم بعنوان یک شعار تلقی نفرمائید زیرا که من همیشه از شعار دادن بیزار بوده ام.

میدانیم که همیشه مغرب زمین به معماری گوتیک فخر کرده است و به اعتباری مهم ترین شاهکارهای هنری معماری مغرب زمین باین سبک تعلق دارد، جالب اینکه معماری گوتیک را ما هم از معماری ایران میدانند.

درباره پدیده های عمده معماری که در ایران پیش از اسلام آفریده شده و طی قرنهای تحول و تکامل یافته و به دیگر سرزمینها انتقال یافته میتوان برخی نمونه های زیر را یاد کرد.

کاربرد انواع قوسها و از آنجمله طاق ضربی از حدود هزاره دوم پیش از میلاد در امر پوشش فضاهای معماری پدیده ارزنده ایست که در این سرزمین بنیاد گرفته است.

خلق گنبد بر روی پایه چهار گوش از ابتکارات استثنائی است که در این سرزمین بوجود آمده و منشا دگرگونی اساسی در کار معماری جهان شده است. بکار گرفتن ستون اگر چه در سرزمین های دیگر نیز سابقه ای طولانی دارد ولی بآنگونه که در ایران بکار گرفته شده به اعتباری یک مورد کاملا قابل توجه و استثنائی است. چنانکه وقتی در فضای یک چهل ستون ایرانی چه در دوره ماد و چه در دوره هخامنش قرار میگیریم، فضائی بسیار متفاوت با یک چهل ستون مصری یا یک بنای ستوندار یونانی را احساس میکنیم.

در چهل ستون های ایرانی با توجه به جنبه های فنی امر در زمینه رعایت تناسب میان قطر ستون و فاصله دو ستون از هم، تناسب میان قطر ستون و کشیدگی آن، با فضائی وسیع و قابل استفاده و در عین حال روشن و باشکوه و شاد مواجه نیستیم.

پدیده‌ها و عوامل معماری که در دوران بعد از اسلام بخدمت گرفته شده‌اند به اعتباری تمامی آنها در دوران قبل از اسلام بوجود آمده و در طی دوران بعد از اسلام با تجربیاتی که بر روی کار برد آگاهانه‌تر آنها صورت گرفته به گونه‌ای جالبتر، موفق‌تر و هنرمندانه‌تر مورد استفاده واقع شده‌است. در این باره میتوان موارد مختلف را بیان داشت. بطور مثال گنبد رادر نظر بگیریم که دست کم از دوره اشکانی نشانه‌هایی از آن در دست داریم. این پدیده در دوران بعد از اسلام با اتکاء بر تجربیاتی که در باره نحوه برپا کردن آن طی چند قرن بدست آمده بود، چه از نظر جنبه‌های فنی و چه از نظر فرم و زیبایی به جالبترین و شکوهمندترین شکل ممکن برپا گردید و به اوج ترقی خود رسید.

با انجام يك بررسی علمی مشاهده میکنیم که شکل‌ها و طرحهای مختلفی که در مسجدها عرضه شده است همگی بشدت متأثر است از فرمها و طرحهای معماری قبل از اسلام ایران.

در آغاز اسلام در برخی نقاط، دیوار سمت جنوب چهارطاقی‌ها را مسدود می‌سازند و سپس محرابی در آن ایجاد میکنند چنانکه اکثر این محرابها نسبت بجهت قبله دارای انحراف هستند.

ایرانیان مسلمان بعد از مدتی که در مقابل چنین محل به ستایش و نیایش خدای خویش میپرداختند دست بخلاق مسجدهائی با شبستان گنبددار میزنند. الهامی مستقیم از چهارطاقی‌ها ولی در اندازه‌ای وسیع‌تر و باشکوه‌تر. زیرا که در مذهب زرتشت به دلیل ضرورت افروختن آتش در زیر چهارطاقی عبادت در فضای خارج و مقابل آن صورت میگرفت ولی در اسلام با توجه به ویژه‌گی انجام فرایض نماز و عبادت ترجیح داده میشد تا این مراسم در داخل فضای معماری صورت پذیرد و از اینرو ضرورت داشت تا بوسعت بنا بیافزایند.

ایوان

ایوان نیز که یکی از پدیده‌های شگرف دوره اشکانی است در پی کاربرد وسیع

و موفق آن در معماری ساسانی، در دوره اسلامی همچنان مورد توجه قرار میگیرد و برای محل عبادت تابستانی بیک اعتبار و برای شکوهمندتر ساختن هر چه بیشتر شبستان گنبددار به اعتباری دیگر بمقابل شبستان‌های گنبددار افزوده میشود. چیزی که بطور دقیق چه از نظر پلان و چه از نظر نحوه اجرا، در دوره ساسانی شاهد نمونه‌های جالب و چشمگیر آن هستیم.

مسجدهای چهار ایوانی استحضار دارید که شاهکار مسجدهای ایرانی را مسجدهای چهار ایوانی میدانند. زیرا جالبترین و پرجذبه‌ترین فضاهای معماری مربوط بمساجد رادر این گروه میتوان مشاهده کرد.

طرح این مسجدها و مدرسه‌های چهار ایوانی تمامی بر اساس پلان کهن صحن-های چهار ایوانی مربوط بدوره اشکانی و ساسانی و حتی قبل از آن در زمان هخامنشی بنیاد گرفته است.

تزیین معماری در زمینه تزیین نیز با هیچ پدیده‌ای در دوره اسلامی بر خورد نمیکنیم که سابقه‌اش به قبل از اسلام بازنگردد. در این باره یکی دومورد را بعنوان شاهد مثال یاد میکنیم.

هنر کاشیکاری که در بخشی قابل توجه از هنر معماری بعد از اسلام ایران شاهد اهمیت و زیبایی چشمگیر آن هستیم، پدیده‌ایست بایک پشتوانه قوی در معماری دورانهای کهن ایران نظیر عهد هخامنشی و دوران اسلامی.

همچنین شاهکارهای درخشان و پرجاذبه هنر گچبری بعد از اسلام در ایران و چه از نظر تکنیک و نحوه کاربرد و اجرا و چه از نظر بخشی عمده از نگاره‌ها و نقشها بر هنر گچبری غنی و وسیع دوران ساسانی متکی است. بنابراین ملاحظه میفرمائید چنانکه گفته شد بخش عمده‌ای از پدیده‌های اساسی و بنیادی معماری دوران بعد از اسلام در ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی، متکی است بر آنچه که در دوران پیش از اسلام در فلات ایران خلق شده، مورد استفاده قرار گرفته، در جریان اجرا تکامل یافته و بدوران بعد از اسلام انتقال یافته است.

حال با توجه با آنچه که بدان اشاره رفت اگر بخواهیم بایسن بپردازیم که فضای معماری ایران در دوران اسلامی بادوران ساسانی چه تفاوتی را عرضه میکند و نقش اسلام بعنوان دین و آئین چه بوده ، مسئله ایست که بدون داشتن فرصت لازم برای توضیح و توجیه آن بخود اجازه نمیدهم تا بآن وارد شوم و بآن بپردازم . زیرا که برای بحث در باره این امر مهم جادارد نخست بویژگیهای طرز تفکر اسلام و جهان بینی آن بپردازم و روشن سازیم که تفاوت های میان جامعه ایران بعد از اسلام و پیش از آن چیست و نمودهای فرهنگ ایرانی در این دوزمان چه اختلافاتی را عرضه میسازد و بالاچره اینکه این تفاوتها و اختلافها تاچه حد حاصل عامل مذهب و وابسته بآنست . در پی چنین بررسی و تجزیه و تحلیلی است که خواهیم توانست درباره پدیدمندی های معماری بعد از اسلام ایران به گفت و شنود بنشینیم و پرتو اسلام را در آن جستجو کنیم .

از آنجا که بحث ما فراوان بطول انجامید و فرصتی چندگان در پیش نداریم ، سخن را به پایان میبرم و بمنظور تشریح و توجیه بیشتر امر به نشان دادن تعدادی اسلاید میپردازیم . این اسلایدها به دو دسته تقسیم میشوند . دسته اول آنهایی که به گونه ای به متن صحبت مربوط میشوند و دو دیگر تعدادی اسلاید مربوط بشهر یزد بمنظور نشان دادن زیبایی های معماری سنتی و بومی آن از یکسو و ویرانگریها و بی سلیقه گی های مربوط بشهر سازی و معماری سی ، چهل سال اخیر آن .

دوره نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان

شماره ۱	سال اول	اسفند	۱۳۴۱ (۲۵۲۱)
شماره ۲	سال دوم	آذر	۱۳۴۲ (۲۵۲۲)
شماره ۳	سال سوم	مهر	۱۳۴۳ (۲۵۲۳)
شماره ۴	سال چهارم	فروردین	۱۳۴۴ (۲۵۲۴)
شماره ۵	سال پنجم	مهر	۱۳۴۵ (۲۵۳۵)
شماره ۶	سال پنجم	اسفند	۱۳۴۵ (۲۵۲۵)
شماره ۷	سال ششم	شهریور	۱۳۴۶ (۲۵۲۶)
شماره ۸	سال هفتم	اردیبهشت	۱۳۴۷ (۲۵۲۷)
شماره ۹	سال هفتم	شهریور	۱۳۴۷ (۲۵۲۷)
شماره ۱۰	سال هشتم	فروردین	۱۳۴۸ (۲۵۲۸)
شماره ۱۱	سال نهم	فروردین	۱۳۴۹ (۲۵۲۹)
شماره ۱۲	سال نهم	بهمن	۱۴۴۹ (۲۵۲۹)
شماره ۱۳	سال دهم	مهر	۱۳۵۰ (۲۵۳۰)
شماره ۱۴	سال یازدهم	اسفند	۱۳۵۱ (۲۵۳۱)
شماره ۱۵	سال دوازدهم	اسفند	۱۳۵۲ (۲۵۳۲)
شماره ۱۶	سال سیزدهم	اسفند	۱۳۵۳ (۲۵۳۲)
شماره ۱۷	سال چهاردهم	بهمن	۱۳۵۵ (۲۵۳۵)
شماره ۱۸	سال پانزدهم	بهمن	۱۳۵۵ (۲۵۳۵)

بعضی از شماره های گذشته نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان متأسفانه نایاب است

